

مقاله علمی

نقوش صخره‌ای او دره‌سی شهرستان هوراند، استان آذربایجان شرقی^۱

حسن درخشی^۲، سعید ستارنژاد^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹)

چکیده

سنگ‌نگاره به عنوان یکی از آثار تاریخی-فرهنگی جوامع انسانی بوده که در سال‌های اخیر مطالعات نسبتاً جامع درباره آن انجام شده است. حاشیه رودخانه‌های قره‌سو و دره‌رود در منطقه آذربایجان ایران، یکی از کانون‌های اصلی این آثار محسوب می‌شود. در این ناحیه تاکنون بیش از ۱۵ محوطه دارای سنگ‌نگاره شناسایی شده است. بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی که تابستان سال ۱۳۹۱ پیرامون محوطه «او دره‌سی» به معنای دره آهو انجام شد، چندین مجموعه از سنگ‌نگاره‌ها شناسایی شد. این سنگ‌نگاره‌ها دارای موتیف‌های متنوعی از جمله نقوش انسانی، حیوانی و نمادین است که اغلب به صورت کوبشی و به ندرت به صورت خراش در سطح سنگ‌های منفرد از هم ایجاد شده‌اند. این پژوهش به مطالعه و تحلیل اجمالی سنگ‌نگاره‌های محوطه او دره‌سی پرداخته و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی دارای چه نگاره‌هایی است؟ ۲- نقش‌مایه‌های محوطه او دره‌سی قابل مقایسه با نگاره‌های صخره‌ای کدام مناطق است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات با دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این سنگ‌نگاره‌ها دارای نقش‌مایه‌های انسانی، حیوانی و هندسی است و از نظر کمی و کیفی شباهت‌هایی با نقوش مناطق مختلف ایران و قفقاز دارد.

کلیدواژه‌ها: نقوش صخره‌ای، سنگ‌نگاره. هوراند، او دره‌سی

۱ مقاله پژوهشی مستقل

۲ استادیار گروه باستان‌شناسی واحد شوشتر دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)

derakhshi.hassan@gmail.com

saeidsattarnejad@yahoo.com

۳ دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مقدمه

سنگ‌نگاره‌ها به‌عنوان شاخه‌ای از هنر صخره‌ای در بسیاری از جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به‌عنوان ابزاری برای بیان افکار و اعتقادات (شیخ اکبری زاده و همکاران ۱۳۹۲: ۱۹۶)، آیین‌ها و مذاهب یک فرهنگ (Gillette et al, 2014: 1) به‌کار گرفته شده است. هنر صخره‌ای یکی از زیرمجموعه شاخه‌های تاریخ هنر و باستان‌شناسی است. در این میان منطقه شمال‌غرب ایران نیز یکی از مناطق مهم در مطالعات باستان‌شناختی است که شواهد آثار هنر صخره‌ای به‌صورت پراکنده از آن گزارش شده است. منطقه قره‌داغ به ویژه حوزه رودخانه قره‌سو و دره‌رود به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم سنگ‌نگاره‌های حوزه شمال‌غرب ایران مطرح است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). بر اساس مطالعات انجام‌شده درباره برخی از سنگ‌نگاره‌های ناحیه قره‌داغ از قبیل سونگون (رفیع‌فر، ۱۳۸۱)، لقلان (رفیع‌فر، ۱۳۸۳)، شهریری (هورشید، ۱۳۸۶)، دوزداغی (Kazempur et al, 2011)، شیخ‌مدی (Kazemi & et al, 2016)، مشیران (ببینده و همکاران، ۱۳۹۴)، خانم علیلو (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، دوه دره‌سی هوراند (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، تنوعی از نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و گیاهی مشاهده شده است. به‌طور کلی نقوش صخره‌ای با وجود تنوع، از مشابهت و وحدت ریخت‌شناختی، محتوایی و معنایی برخوردار هستند (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵).

این پژوهش، بر محور اهدافی چون شرح‌نگاره‌های موضوعی، گونه‌شناختی نقوش و نیز مطالعات تطبیقی نقوش آغاز گردید تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱- سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی دارای چه نگاره‌هایی است؟ ۲- نقش‌مایه‌های محوطه او دره‌سی قابل مقایسه با نگاره‌های صخره‌ای کدام مناطق است؟ ضرورت و اهمیت ثبت و مطالعه سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی شهرستان هوراند، در تکمیل نقشه باستان‌شناسی کشور و مطالعات هنر صخره‌ای جوامع پیش از اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین شناخت و تبیین ماهیت آن‌ها، گام مهمی در شناخت پیشینه فرهنگی و الگوهای استقراری جوامع ساکن در حوزه قره‌سو و شهرستان هوراند است.

پیشینه پژوهش

پژوهش درباره هنر صخره‌ای ایران، در سده‌های اخیر بسیار رشد یافته است (نک به ناصری‌فرد، ۱۳۹۵). حمید ایزدپناه (۱۳۴۸: ۱۴-۶)، مک بورنی (۱۳۴۸: ۱۴-۱۶) جزء نخستین پژوهشگرانی بوده‌اند که به معرفی و مطالعه نقوش صخره‌ای در مناطقی از لرستان، سیستان و بلوچستان و میرملاس پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر مطالعات هنر صخره‌ای در مناطق مختلف کشور آغاز شده است؛ از جمله می‌توان مطالعات مرتضی فرهادی (۱۳۷۷)، محمدرحیم صراف (۱۳۶۶)، لباف خانیکی و بشاش (۱۳۷۳)، جمال لحافیان (۱۳۷۹) و غیره را نام برد. درباره هنر صخره‌ای منطقه شمال غرب ایران نیز تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده است (نک به کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷) از جمله بررسی نقوش صخره‌ای مهاباد (ساوجبلاق) (پدرام، ۱۳۷۳؛ محمدی قصیریان و نادری، ۱۳۸۶)، هوراند (رفیع‌فر، ۱۳۸۳)، ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۴)، مشگین‌شهر (هورشید، ۱۳۸۶؛ کاظمی، ۱۳۹۳)، اهر (Kazempur & et al, 2011) نواسر هوراند (کریمی، ۱۳۹۲)، شاهین‌دژ (Binandeh, 2016) دوه دره‌سی هوراند (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، خانم علیلو (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹) است. نگارندگان در سال ۱۳۹۱ خورشیدی نقوش صخره‌ای اودره‌سی را برای نخستین بار شناسایی کردند که در این پژوهش مطالعه شده است.

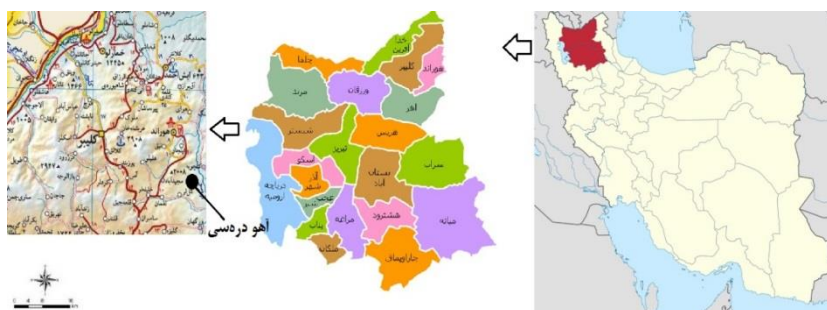
روش پژوهش

این پژوهش با دو روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در روش میدانی طی بررسی روشمند، پس از شناسایی اولیه، سنگ‌هایی که نگاره بر آن‌ها ایجاد شده بود، شماره‌گذاری گردید و سپس اطلاعات موجود روی نقوش استخراج گردید که این اطلاعات شامل پراکنش و تعداد نقوش، اندازه نقوش، تکنیک ایجاد، نوع نقوش، عکس‌برداری و به‌طور کلی مستندنگاری نقوش بوده است. در روش کتابخانه‌ای همه اطلاعات موجود مورد مطالعه تطبیقی با سایر مناطق، تحلیل و تفسیر شده است.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

منطقه قره‌داغ (ارسباران) در پهنه جغرافیایی شمال غرب ایران در استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. این منطقه دارای توپوگرافی کوهستانی است و بخش‌هایی از آن پوشش جنگلی

دارد. این منطقه شامل شهرستان‌های اهر، کلیبر، ورزقان، خداآفرین، هریس و هوراند است. سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی در نزدیکی روستای نواسر از توابع شهرستان هوراند در استان آذربایجان شرقی واقع شده است (نقشه ۱). این روستا در فاصله حدود ۱۶ کیلومتری شهرستان هوراند و در حاشیه رودخانه دائمی و پرآب قره‌سو قرار دارد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱). این ناحیه دارای ییلاق‌های عالی با مراتع سرسبز و جنگل‌های انبوه است و نواحی گرم و قشلاقی آن امکان هر گونه اقتصاد روستایی متکی به فعالیت‌های دامداری و کشاورزی را فراهم کرده است (بایبوردی، ۱۳۴۲: ۲۳). با این حال کار اکثر مردم گله‌داری بوده و به کارهای کشاورزی چندان اهمیت داده نشده است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱). جمعیت عشایری این ناحیه بیشتر از ایلات ارسباران و ایل سون‌ها تشکیل شده است. شمال این ناحیه بیشتر به‌عنوان منطقه قشلاقی ایل ارسباران و جنوب آن به‌عنوان منطقه ییلاقی این ایل مورد استفاده قرار می‌گیرد (دوستی، ۱۳۷۳: ۳۹-۳۲). در مجموع منطقه ارسباران کوهستانی و سردسیر با معادن فراوان جنگل‌هاست (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۲۸).



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۸)

نقوش صخره‌ای او دره‌سی در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرقی روستای نواسر و در مختصات جغرافیایی ۴۷،۲۸،۵۹ شرقی، ۳۸،۴۲،۰۶ شمالی و میانگین ارتفاع ۷۷۵ متر از سطح دریا قرار دارد. محوطه مذکور در ابعاد تقریبی ۵۰۰ × ۲۵۰ متر به‌صورت سنگلاخی است. در این محوطه ۲۱ قطعه سنگ منقوش شناسایی گردید. این سنگ‌ها از نوع ماسه‌سنگی و گرانیتی به رنگ مشکی است که روی تراش شیب‌دار و مشرف به رودخانه دره‌روود قرار دارند. مجموعه

سنگ‌نگاره‌ها روی سنگ‌های منفرد به رنگ‌های سیاه و قهوه‌ای تیره است که در اثر عوامل طبیعی بر سطح زمین پراکنده شده‌اند. نقوش روی سنگ‌ها در ابعاد مختلف ایجاد شده است که بزرگترین آن ابعادی $۲۰۰ \times ۱۰۰ \times ۴۰$ سانتی‌متر و کوچکترین آن ابعادی $۵۰ \times ۳۰ \times ۲۰$ سانتی‌متر دارد. این سنگ‌ها فاقد تراش است و به شیوه برجاست.



تصویر (۲): موقعیت محوطه او دره‌سی ، (همان)

مشخصات و ویژگی عمومی نگاره‌ها

سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی ویژگی‌هایی دارند که به منظور تحلیل و تفسیر صحیح آن‌ها لازم است به این موارد توجه شود. به نظر می‌رسد این نگاره‌ها از یک الگوی پراکنش خاصی تبعیت کرده‌اند که شناخت این الگوی پراکنندگی در فهم چرایی ایجاد نقوش و گاه‌نگاری آن‌ها مهم است.

مکان ایجاد نقوش: عوامل مختلفی مانند دسترسی به منابع آب (رودخانه دائمی قره‌سو و دره‌رود)، منابع طبیعی چون مراتع و چراگاه‌ها (بیلاق و قشلاق مناسب)، نزدیکی به ایل‌راه‌ها، وجود سنگ‌های با جنس گرانیتی و مهم‌تر از همه گروه‌های قومی که خالق اصلی این آثار بوده‌اند، در شکل‌گیری و پراکندگی نگاره‌های سنگی رودخانه قره‌سو و دره‌رود تأثیرگذار بوده است، بنابراین طراحان این نگاره‌ها به چنین مؤلفه‌هایی توجه خاصی داشتند و شیوه معیشت این جوامع با پدیده‌های فوق ارتباط دارد. با توجه به کوهستانی بودن منطقه، فعالیت کشاورزی به سختی در آن امکان‌پذیر بوده و فقط درون دره‌ها طی سال‌های اخیر فعالیت باغداری رونق پیدا کرده است. همین عامل سبب شده است تا منطقه برای فعالیت دامداری مناسب باشد و این منطقه در قالب مناطق بیلاق و قشلاق ایل‌سون و ارسباران (قره‌داغ) محسوب می‌شود (دوستی، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۹).

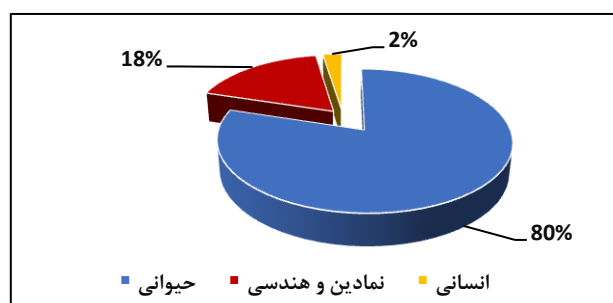
تکنیک اجرای نقوش: این سنگ‌نگاره‌ها با تکنیک کوبشی و به ندرت با تکنیک خراش ایجاد شده‌اند. در روش کنده‌کاری با وارد آوردن ضربه‌های متوالی یا ایجاد خراش با جسم تیز اعم از سنگ و فلز بر بدنه صخره حکاکی شده‌اند. به‌طور کلی با استفاده از فنون مختلف اجرا، تصویرگر دو گونه نقش پدید آورده است: الف) نقوشی که فقط خطوط کلی بدن (حریم نقش) حک شده است. ب) نقوشی که تمام سطح آن با ضربات متناوب نقر شده است.

کیفیت نقوش: کیفیت نحوه ایجاد نقش، فرسایش و تغییر رنگ سطح سنگ با نقوش می‌تواند در تعیین قدمت (تقدم و تأخر زمانی) ایجاد آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. در محوطه او دره‌سی روی برخی از قطعه‌سنگ‌ها نقوشی ایجاد شده است که از نظر کیفیت و فرسایش با هم متفاوت هستند که این تفاوت بیانگر تقدم و تأخر زمانی ایجاد این نگاره‌هاست. به‌طوری که عمق برخی از نگاره‌ها به علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی و شاید انسانی به قدری فرسایش یافته‌اند که به سختی قابل مشاهده بوده است، حال آنکه برخی از نگاره‌ها از فاصله دور به راحتی قابل تشخیص است.

دسته‌بندی و گونه‌شناختی نگاره‌ها

تعداد سنگ‌هایی که نقوش بر آن‌ها ایجاد شده، حدود ۲۱ قطعه و به طور کلی تعداد ۶۰ نگاره است. این نقوش به صورت تک‌نگاره و مجموعه‌ای نقر شده‌اند. مجموعه سنگ‌نگاره‌های او

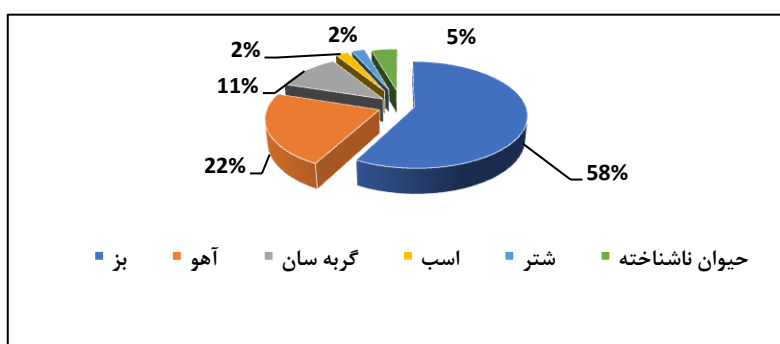
دره‌سی نخست بر اساس سه متغیر به گروه‌های نقوش انسانی، حیوانی، هندسی - نمادین تقسیم‌بندی شدند و سپس در چهارچوب همین طبقه‌بندی به گونه‌شناسی آثار پرداخته شد. گفتنی است هر یک از این آثار را بر اساس نوع و سبک می‌توان به زیرگروه‌های مجزا تقسیم کرد (نمودار ۱). پس از طبقه‌بندی، آمار جامعی از تعداد نقوش به دست آمد و بر اساس آن مشخص شد که هر گروه از طرح‌ها چه درصدی از کل نقوش منطقه را به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۲).



نمودار (۲): نمودار دایره‌ای گونه‌شناسی موضوعی نقوش، (همان)

نقوش حیوانی: نقوش جانوری محوطه او دره‌سی به شیوه خلاصه‌نگاری و استیلیزه ایجاد شده است. عموماً هنرمندان، نقوش حیواناتی را ایجاد کرده‌اند که با شیوه معیشت، موضوع شکار و زندگی روزمره انسان ساکن این منطقه در ارتباط بوده‌اند. این نگاره‌ها از نظر فراوانی و تعداد به ترتیب شامل ۲۶ نقش بز (۵۸٪)، ۱۰ نقش آهو (۲۲٪)، ۵ نقش گربه‌سان (۱۱٪)، ۱ نقش اسب (۲٪)، ۱ نقش شتر (۲٪) و ۲ نقش مربوط به حیوان ناشناخته (۵٪) است (نمودار ۳، جدول ۱). در این میان، نقوش به صورت ترکیبی در کنار نقش انسان و نمادین در صحنه شکار و گاهی چراگاه ایجاد شده است که بیانگر ارزش آن‌ها در گذران زندگی این گروه از مردم از طریق شکار و دامداری است. مشابه این نگاره‌ها با داده‌های فرهنگی از محوطه‌های یانیک‌تپه (برنی، ۱۳۹۰: ۱۰۹)، دینخواه (Muscarella, 1974: 8)، شاه‌تختی آذربایجان (Halilov, 2013: 209)، گتاشن ارمنستان (Kushnareva, 1997:100) قابل مشاهده است. جوامع کوچ‌نشین خاور نزدیک برهم‌کنش یا تعامل اقتصادی و اجتماعی بسیار زیادی با روستاهای کشاورز یکجانشین و مراکز

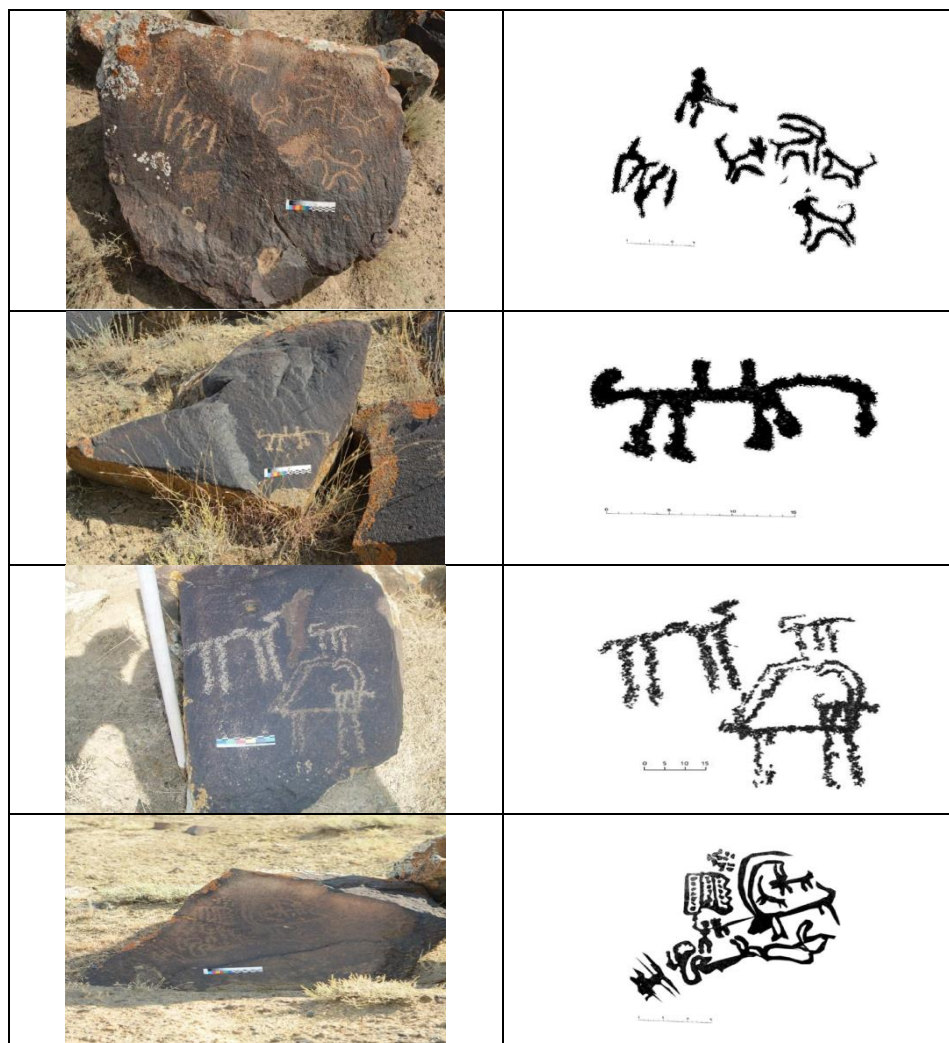
شهری داشته‌اند (ممی‌زاده گیگلو، ۱۳۹۱: ۳۷). چنین پدیده‌ای در سال‌های اخیر نیز میان عشایر با روستاییان برقرار بوده است. این برهم‌کنش به عوامل بوم‌شناختی و جغرافیایی نسبت داده شده است که جوامع خودمختار، به‌هم‌پیوسته و از نظر قلمرو مرتبط با یکدیگر را مجبور کرد تا در استفاده از منابع منطقه با هم شریک باشند. این شراکت سبب ایجاد بستری برای برهم‌کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۶۰). حیوانات تصویرشده، حیوانات بومی منطقه بوده‌اند و انسان‌ها یک ارتباط منطقی با این حیوانات دارند.



نمودار (۳): نمودار دایره‌ای گونه‌شناسی جانوری، (همان)

جدول (۱): نمونه طرح‌ها و تصاویر نقوش حیوانی سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی، (نگارندگان، ۱۳۹۱)



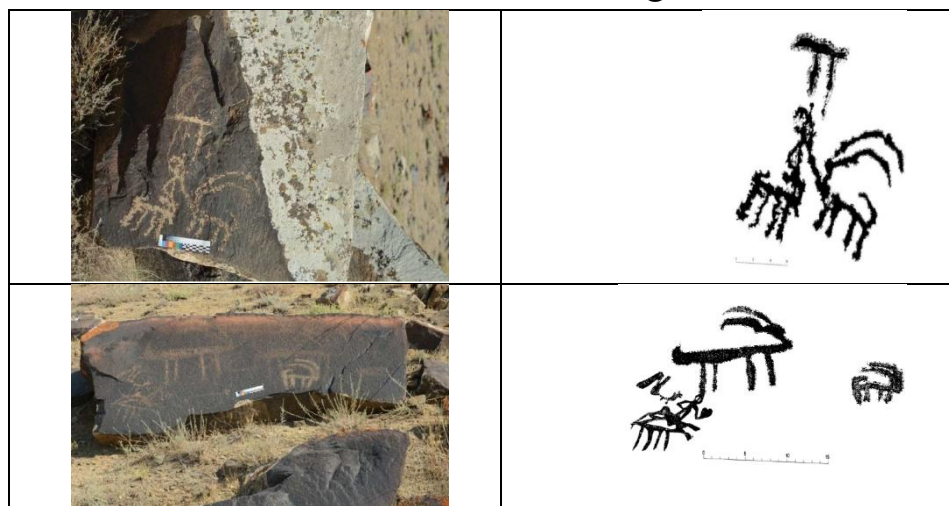


منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱

نقوش انسانی: نقش در مجموعه او دره‌سی تعداد ۴ نقش مایه انسانی روی تخته‌سنگ‌ها شناسایی گردید. انسان در نگاره‌های او دره‌سی عموماً به صورت ساده و از روبه‌رو نقش شده است. انسان در این نگاره‌ها در حال شکار با ابزار، در حال انجام مراسم (آیینی!)، همراه با نقوش

جانوری و نمادین موضوعات کلی نگاره‌های انسانی را تشکیل می‌دهند. فیگور انسان بعد از بز بیشترین تعداد سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی را تشکیل می‌دهد. اکثر فیگورهای انسانی با توجه به نشانه مردانگی متعلق به تصاویر مردان است و فقط در فیگورهای انسانی یک مورد از نقوش به سبب نداشتن علائم مردانگی و نوع طراحی متفاوت نسبت به سایر نقوش انسانی، به‌عنوان جنس مؤنث تشخیص داده شده است (جدول ۲). به‌طور کلی نقوش انسانی اُدره‌سی از نظر سبک و حالت با نمونه‌هایی از محوطه شیخ مدی (Kazemi & et al, 2016:21)، مجموعه داش مشگین‌شهر (Ibid:324)، ازندریان (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴)، آرگس همدان (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲)، ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۵۴)، دوزداغی (2011:386)، (Kazempur & et al)، مَشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴: ۳)، قوبستان (Farajov, 2018:78-98)، گمی قایا (Halilov, 2017:108) و غیره است.


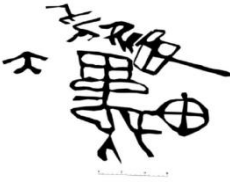


جدول (۲): نمونه طرح‌ها و تصاویر نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های اُدره‌سی. (همان)



نقوش هندسی: در میان نگاره‌های اُدره‌سی شواهدی از اشکال ساده هندسی وجود دارد که به‌نظر نشانه‌هایی است که نماد فرهنگ، هنر و جهان‌بینی طراحان این نقوش است. نقوشی مانند دایره، چلیپا و مربع است (جدول ۳). این نقوش روی ظروف سفال‌های محوطه یانیک تپه

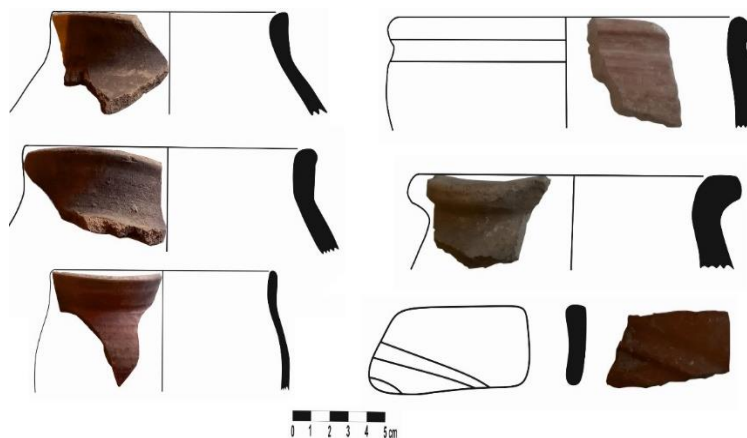
(Burney, 1962)، عقرب تپه (Muscarella, 1973)، دینخواه (Hamlin, 1974: 144)، هفتوان (Edwards, 1981)، حسنلو (Danti, 2013: 164) و سنگ‌نگاره‌های محوطه‌های همچون قوشاداش ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۵۹)، مشیران (بیننده و همکاران، ۱۳۹۴: ۳)، شیخ‌مدی (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷)، قوبستان (Farajova, 2018: 10) و غیره قابل مشاهده است. استفاده از نمادها برای بیان باورها به دیگران مانند زبان است و تفاوت در آن‌ها برگرفته از تجربیات هر گروه از جوامع انسانی است (مشیری، ۱۳۸۰: ۵) یا در باورها و روان انسان‌ها در کهن الگوهای باستانی ریشه دارد (یونگ، ۱۳۸۷: ۱۳۴). نمادهای هندسی او دره‌سی با چنین ساختارهایی چندان دور از ذهن نیست؛ برای نمونه نقش چلیپا در نگاره‌های محوطه قوبستان همراه با رقص آیینی بیانگر ساختار آفرینش و اعتقاد به رستاخیز است که به‌نظر با باورهای شمنی در ارتباط است. با این حال تحلیل معناشناختی این نقش‌مایه‌ها در مجموعه او دره‌سی به سادگی امکان‌پذیر نبوده و نمی‌توان تحلیل صحیح و روشنی از مفاهیم و علیت‌های ایجاد این نگاره‌ها بیان کرد. با این حال عموماً این قبیل نقش‌مایه‌ها مفاهیم آیینی و نمادین دارند.

جدول (۳): نمونه طرح‌ها و تصاویر نقوش هندسی سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی، (همان)

گاهنگاری نسبی نگاره‌ها

گاهنگاری هنر صخره‌ای در برخی از مناطق جهان از قبیل آفریقای جنوبی (Watchman, 2003) و استرالیا (David & et al, 2013) متکی به مطالعات آزمایشگاهی و گاهنگاری مطلق بوده است. با این حال در ایران به دلیل نبود امکانات لازم و هزینه بالای انجام چنین آزمایش‌های گاهنگاری، این قبیل از آثار به صورت گاهنگاری نسبی انجام می‌شود. نگارندگان در این پژوهش بر اساس مطالعه و مقایسه عناصر هنری، مواد فرهنگی و محیطی (قسیمی، ۱۳۹۸: ۳۶)، نقوش همچون سبک، مضمون، تکنیک و میزان فرسایش (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۷) و عنصر مجاورت یا همسایگی (عرب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۱)، چشم‌انداز باستان‌شناختی (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶) به گاهنگاری نسبی این آثار پرداخته‌اند. در اطراف این آثار شواهدی از گورهای چهارچینه سنگی که مورد حفاری قاچاق قرار گرفته و نیز یافته‌های سفالی سطح محوطه، تعلق آن‌ها را به عصر مفرغ متأخر و آهن نشان می‌دهد. مواد فرهنگی این بازه زمانی، آثار غالب این ناحیه محسوب می‌شود. بر این اساس تنها مدارک قالب اتکاء برای ارائه گاهنگاری تکیه بر این مواد بوده است. بنابراین دوره زمانی ایجاد نقوش صخره‌ای او دره‌سی، حد فاصل عصر مفرغ متأخر تا آهن ارزیابی می‌شود.



تصویر (۳): نمونه‌ای از قطعات سفالی محیط اطراف

نتیجه‌گیری

سنگ‌نگاره‌های او دره‌سی شهرستان هوراند بخشی از هنر صخره‌ای پیش از اسلام منطقه شمال غرب ایران است. بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی نگارندگان این آثار، با مؤلفه‌هایی چون دسترسی به منابع آب، مراتع، ایل‌راه‌ها و محوطه‌های بدون ارتباط با استقرار دائم و پایدار در ارتباط است. در این محدوده تپه استقرار شناسایی نشد و الگوی غالب محوطه‌ها، در قالب گورستان است. بررسی‌های میدانی و مستندنگاری و تهیه جامعه آماری این مجموعه مشخص کرد که این نگاره‌ها به سه دسته کلی انسانی، حیوانی و هندسی تقسیم می‌شوند و گروه حیوانی در صدر فهرست قرار دارد. فراوانی نسبی بز در این نگاره‌ها به شرایط محیطی و توانایی تطبیق با زیست این نوع حیوان با شرایط کوهستانی در این حوزه جغرافیایی مربوط است. از سوی دیگر با توجه به مطالعات باستان مردم‌شناختی تا چند دهه گذشته بخشی از الگوی معیشتی مردم متکی به فعالیت‌های دامداری به‌ویژه پرورش بز بوده که این امر تداومی از دوران پیش از اسلام است. نگاره‌های این مجموعه، قابل مقایسه با سنگ‌نگاره‌های شناسایی شده در مشکین‌شهر، هوراند، اهر و سایر مناطق است. با توجه به اینکه تاکنون مطالعاتی از نوع باستان‌سنجی و آزمایش درباره این نقوش انجام نشده است، بنابراین نمی‌توان گاهنگاری مطلق برای این آثار ارائه کرد. با این حال بر اساس مطالعات تطبیقی با سنگ‌نگاره‌های محوطه‌های هم‌جوار و چشم‌اندازهای باستان‌شناختی این حوزه که بیشترین آثار متعلق به مفرغ متأخر و آهن بوده است، به نظر می‌رسد سنگ‌نگاره‌ها در دو دوره هزاره دوم و اول ق.م. ایجاد شده است.

منابع

- ایزدینپناه. حمید (۱۳۴۸). نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان. باستان‌شناسی و هنر ایران. ۳. ۶-۱۴.
- بایبوردی. سرهنگ (۱۳۴۲). تاریخ ارسباران. تهران: ابن سینا.
- برنی. چارلز (۱۳۹۰). کاوش‌های یانیق تپه. باستان‌شناسی آذربایجان. ترجمه صمد عیلون. تبریز: اختر.
- بورنی. مک (۱۳۴۸). گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت. باستان‌شناسی و هنر. ۳. ۱۶-۱۴.

- بیک‌محمدی. خلیل. جانجان. محسن. بیک‌محمدی. نسرين (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی ملایر. پژوهش‌های باستان‌شناسی. ۲(۲). ۱۴۱-۱۲۱.
- بینده. علی و فتاح‌زاده. پریش (۱۳۹۴). نقوش صخره‌ای مشیران. مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. بیرجند. دانشگاه بیرجند.
- پدرام. محمود (۱۳۷۳). تمدن مهاباد. تهران: هور.
- دوستی. حسین (۱۳۷۳). تاریخ و جغرافیایی ارسباران. تبریز: احرار.
- رفیع‌فر. جلال‌الدین (۱۳۸۱). پیدایش و تحول هنر؛ درآمدی بر مردم‌شناسی هنر. تهران: خجسته.
- (۱۳۸۳). هنر صخره‌ای در شمال غرب ایران. سنگ‌نگاره‌های هوراند (لقلان). همایش باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب. ارومیه. ۱۲۴-۱۱۱.
- (۱۳۸۴). سنگ‌نگاره‌های ارسباران: پژوهش در مردم‌شناسی و باستان‌شناسی هنر. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ستارنژاد. سعید و عبدالمهی. سیاوش (۱۳۹۹). سنگ‌نگاره نویافته محوطه خانم علیلو مشکین‌شهر. اثر. ۴۱(۲).
- کریمی. کیومرث. نریمانی. مصیب (۱۳۹۹). معرفی سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی شهرستان هوراند آذربایجان شرقی. پژوهش هنر. ۱۰(۱۹). ۶۹-۵۵.
- شیخ‌اکبری زاده. سمیرا. امیرحاجیلو. سعید. عرب. حسنعلی (۱۳۹۲). مطالعه تفسیرگرایانه صخره‌نگاره‌های نویافته زه‌کلوت جازموریان. مجله مطالعات ایرانی. ۱۲(۲۴). ۲۱۵-۱۹۵.
- صراف. محمدرحیم و بشاش. رسول (۱۳۶۶). گزارش بررسی و شناسایی نقوش صخره‌ای کمرنبشته توپسرکان. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- عرب. کاظم و هورشید. هورشید (۱۳۹۶). نگارندهای کوچری گلپایگان تحلیل و گونه‌شناسی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۱۴(۷). ۱۴۰-۱۲۳.
- علیزاده. عباس (۱۳۸۳). منشاء نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس: تل باکون کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه. ترجمه کوروش روستایی. شیراز: بنیاد پژوهی پارسه.
- فرهادی. مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قسیمی. طاهر (۱۳۹۸). سیری بر هنر صخره‌ای. مجله باستان‌شناسی. ۲(۲). ۴۸-۲۵.

- کاظمی. محمد (۱۳۹۳). مطالعه معماری صخره‌ای شمال غرب ایران مطالعه موردی مشکین شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل.
- و رضالو. رضا (۱۳۹۷). سنگ‌نگاره‌های مشکین شهر و قره‌داغ. اردبیل: یایلیق.
- کریمی. کیومرث (۱۳۹۲). بررسی و معرفی سنگ‌نگاره‌های منطقه نواسر هوراند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ هنر باستان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- لباف خانیکی. رجبعلی و بشاش. رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لاخ مزار بیرجند. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- لحافیان. جمال (۱۳۷۹). سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ کردستان. فصلنامه فرهنگ کردستان. (۳ و ۴). ۱۴-۱۹.
- محمدی‌فر. یعقوب و همتی ازندریانی. اسماعیل (۱۳۹۳). معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر. فصلنامه علوم اجتماعی. ۲۱ (۶۴). ۲۲۳-۲۵۲.
- محمدی قصریان. سیروان (۱۳۸۶). مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران مشکلات و راهکارها. باستان پژوهی؛ ویژه نامه باستان‌شناسی و هنر صخره‌ای. ۲(۳). ۱۷-۱۵.
- و نادری. رحمت (۱۳۸۶). بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای هنجیران مهاباد. باستان پژوهی. ۲(۳). ۶۴-۶۱.
- مشیری (۱۳۸۰). جغرافیای کوچ‌نشین. تهران: سمت.
- ملاصالحی. حکمت‌الله. سعیدپور. محمد. مؤمنی. آتوسا. بهرام‌زاده. محمد (۱۳۸۶). باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستانی استان قزوین. باستان‌پژوهی. ۲(۳). ۴۵-۳۵.
- ممی‌زاده گیگلو. سلیمان (۱۳۹۱). تیپولوژی و معرفی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های جعفرآباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه هنر اصفهان.
- ناصری‌فرد. محمد (۱۳۹۵). سنگ‌نگاره‌های ایران: زبان مشترک جهانی. قم: واصف لاهیجی.
- هورشید. شقایق (۱۳۸۶). معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (قلعه ارجق). باستان‌پژوهی. ۳(۲). ۸۵-۸۱.
- یونگ. کارل (۱۳۷۸). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- Binandeh. A. (2016). **Looking at Rock Art in Northwest of Iran**. International Journal of Archaeology. 4(1-1).12-17.
- Burney. C. A. (1962). **The excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1961 second preliminary report**. Iraq. 24(2).134-152.
- Danti, M.D. (2013). **Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods**. University of Pennsylvania Press.

- David. B. Geneste. J. M. Petchey. F. Delannoy. J.J. Barker. B. and Eccleston. M. (2013). **How old are Australia's pictographs? A review of rock art dating.** Journal of Archaeological Science. 40(1).3-10.
- Edwards. M. R. (1981). **The pottery of Haftavan VIB (Urmia ware).** Iran, 19(1), pp.101-140.
- Farajova. M. (2018). **About specifics of rock art of Gobustan and some innovative approaches to its interpretation ("Firuz 2" shelter).** Quaternary international. 491 (20). 78-98.
- Gillette. D.L. Greer. M., Hayward. M.H. and Murray. W.B. (2014). **Introduction to Rock Art and Sacred Places. In Rock Art and Sacred Landscapes** (pp. 1-10). Springer, New York, NY.
- Halilov. T. (2017). **Gamikaya Çevresinden Bulmuş Yeni Kayaüstü Resimlerin Bazıları Hakkında.** Avrasya Uluslararası Araştırmalar Dergisi, 5(11), pp.100-109.
- (2013). **M.Ö. VI-I. Yüzyıllarda Nahçıvanda Seramikçilik.** Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi, (50), pp.201-210.
- Hamlin. C. (1974). **The early second millennium ceramic assemblage of Dinkha Tepe.** Iran. 12(1). 125-153.
- Kazemi. M. Someeh. H. N. Azandaryani. E. H. and Mirzaei. M. (2016). **An Introduction of ShikhMedi Newly Found Petroglyphs in Meshginshahr, Northwest Iran.** International Journal of Archaeology. 4(1-1).18-22.
- Kazempur. M. Eskandari. N. and Shafizade. A. (2011). **The petroglyphs of Dowzdaghi, Northwestern Iran.** Documenta Praehistorica. 38. 383-387.
- Kushnareva. K. Kh. (1997). **The southern Caucasus in prehistory: stages of cultural and socioeconomic development from the eighth to the second millennium BC** (Vol. 99). UPenn Museum of Archaeology.
- Muscarella. O. W. (1973). **Excavations at Agrab Tepe, Iran.** Metropolitan Museum Journal. 8. 47-76.
- (1974). **The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran.** Metropolitan Museum Journal. 9. 35-90.
- Watchman. A. L. and Mazel. A. D. (2003). **Dating rock paintings in the UKhahlamba-Drakensberg and the Biggarsberg, KwaZulu-Natal, South Africa.** Southern African Humanities. 15(1). 59-73.